

بررسی کاربردی-معنایی /Pæra/ در کردی از دیدگاه شناختی

مسعود دهقان^۱

دانشگاه کردستان

بهناز افشاری^۲

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۲۵

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی جایگاه /Pæra/ و چندمعنایی آن در کردی (گویش کلهری)، براساس انگاره چندمعنایی اصول‌مند (الگوی چما) (تایلر و ایوانز، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳؛ ایوانز و تایلر، ۲۰۰۴؛ ایوانز، ۲۰۰۴، ۲۰۰۶) است که معیارهای اساسی و کاربردی برای شناخت معانی مجزا و معنای سرنمون حروف اضافه ارائه می‌دهد. با بهره‌گیری از این انگاره، ماهیت روش انجام این پژوهش کیفی، توصیفی-تحلیلی و نوع روش داده-بنیاد است. داده‌های انتخاب‌شده از مصاحبه با گویشوران کردی کلهری به‌دست آمده و صحت آنها نیز کاملاً مورد تأیید گویشوران بومی است که در این بررسی، به‌دلیل محدودیت حجم مقاله، به ذکر نمونه‌هایی از هر مفهوم بسنده کرده‌ایم. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که /Pæra/ به‌عنوان پرسش‌واژه در جایگاه ابتدای جمله یا در جای اصلی آن قبل از مقوله فعل، «چرایی و علت» را مورد پرسش قرار می‌دهد و همچنین در جایگاه قبل از اسم یا گروه اسمی، به‌عنوان حرف اضافه شامل هشت معنای مجزا و دو خوشه معنایی است که معنای سرنمون آن «برای» است. نگارنده برای واکاوی معانی متمایز این حرف اضافه، آنها را جداگانه در یک شبکه معنایی ترسیم کرده است.

کلیدواژه‌ها: معناشناسی شناختی، الگوی چما، شبکه معنایی، کردی کلهری.

1. mdehghan.ling@gmail.com
2. afshari_behnaz@yahoo.com

۱- مقدمه

یکی از موضوعاتی که در معناشناسی شناختی بسیار به آن توجه شده، پدیده چندمعنایی است. از دید زبان‌شناسان شناختی، چندمعنایی واژه‌ها، پدیده‌ای گسترده و فراگیر در زبان است که در ساختار مفهومی ذهن انسان ریشه دارد و با کاوش و بررسی معنای گوناگون و مجزای واژه‌ها به بینش و درکی روشن و صحیح دست می‌یابیم. موضوع پژوهش حاضر، چندمعنایی در رویکرد معناشناسی شناختی است که به صورت ویژه به بررسی جایگاه /pæra/ در کردی (گویش کلهری) براساس انگاره چند معنایی اصول‌مند^۱ (ایوانز^۲ و گرین^۳، ۲۰۰۶) پرداخته است که دهقان (۱۳۹۷) با استفاده از سرنام واژه این انگاره از آن به عنوان انگاره چما یاد کرده است. هدف از ارائه این انگاره که تایلر^۴ و ایوانز (۲۰۰۱) آن را پایه‌گذاری کردند و در کارهای تایلر و ایوانز (۲۰۰۳)، ایوانز و تایلر (۲۰۰۴a، ۲۰۰۴b) و ایوانز (۲۰۰۴) گسترش یافت، در واقع به حداقل رساندن ماهیت انتزاعی و دلبخواهی بودن واکاوهای این حوزه بود تا به روشی اصول‌مند و روشن به این کار دست یابند. در این انگاره تلاش می‌شود تا روشی سامان‌یافته و انگیخته برای واکاو معنای گوناگون یک واژه چندمعنا ارائه شود. برای این منظور، باید شیوه‌ای روشن و قابل تأیید برای شناسایی معنای مجزای حروف اضافه که به بافت وابسته نباشند و نیز شناسایی معنای سرنمون آنها در پیش گرفته شود. تیلور^۵ (۱۹۹۵:۱۰۸) این شباهت خانوادگی را براساس زنجیره‌های معنایی شرح می‌دهد. به‌باور وی (همان) هر واژه‌ای می‌تواند حامل معنای متفاوت الف، ب، ج، د، و غیره باشد. معنی الف به اعتبار خصوصیت(های) مشترک یا وجه تشابه دیگری با معنی ب مرتبط است. معنی ب هم می‌تواند منشأ بسط دیگری به معنی ج باشد و الی آخر. این زنجیره معنایی را می‌توان به صورت زیر نشان داد که در آن هر حلقه‌ای از زنجیره معنا را می‌توان منشأ هر تعداد بسط معنی دانست:

الف ← ب ← ج ← د ...

1. principled-polysemy approach
2. V. Evanz
3. M. Green
4. A. Tyler
5. J. R. Taylor

تیلور (همان) این زنجیره معنا را با مقولات شعاعی^۱ لیکاف^۲ مقایسه می‌کند. یکی از مزایای این رویکرد، در قیاس با انگاره‌های سنتی، آن است که ابزار مناسبی برای مقوله‌بندی موقعیت‌هایی که یک یا چند معنی، مرکزیت یا شاخصیت بیشتری دارند در اختیار ما قرار می‌دهد. پژوهش حاضر، مفیدبودن رویکرد شناختی را در بررسی چندمعنایی حروف اضافه با تحلیل چندمعنایی /ʔæra/ در زبان کردی (گوش کله‌ری) آشکار می‌سازد. در پایان، این پژوهش با استفاده از شبکه معنایی نشان می‌دهد که ارتباط میان معناها و کاربردهای متفاوت /ʔæra/ به چه صورت است و این که چگونه این معانی مجزا از حوزه فیزیکی-فضایی به حوزه انتزاعی-استعاره‌ای گسترش می‌یابند.

چند سالی است که پژوهش‌های درخور توجهی درباره معنانشناسی چندمعنایی واحدهای واژگانی افعال و حروف اضافه به‌انجام رسیده که نگارندگان در ذیل به برخی از آنها که با پژوهش حاضر ارتباط دارند، اشاره می‌کنند. یوسفی‌راد (۱۳۸۷) در رساله دکتری خود با عنوان *بررسی حروف اضافه زبان فارسی در چارچوب معنانشناسی شناختی با نگاه ویژه به حروف اضافه مکانی* به بررسی معنانشناختی حروف اضافه زبان فارسی که آنها را از پایگاه داده‌های زبان فارسی (pldb^۳) استخراج کرده، پرداخته است. وی بر این باور است که معنای حروف اضافه مکانی را می‌توان بر اساس رابطه شکل و زمینه درک کرد. وی بیان می‌دارد که کاربرد معنایی حروف اضافه زبان فارسی آن‌چنان گسترده است که برطبق پیکره پایگاه داده‌های زبان فارسی، دومین، سومین و چهارمین واژه‌های پربسامد زبان فارسی؛ یعنی، حروف اضافه در، «به» و «از» همگی حروف اضافه مکانی هستند که تنها حرف ربط «و» بر آنها پیشی گرفته است. گلفام و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان *بررسی حرف اضافه (از) در چارچوب معنانشناسی شناختی و مقایسه آن با رویکرد سنتی* به این مهم اشاره کرده‌اند که کتاب‌های دستور زبان فارسی، تنها به کاربرد معنای حروف اضافه پرداخته‌اند و ارتباط میان معانی را نادیده گرفته‌اند. گلفام و یوسفی‌راد (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان *رویکرد معنانشناسی شناختی*

1. radial category
2. G. Lakoff
3. <http://pldb.iics.ac.ir/>

به حروف اضافه مکانی زبان فارسی از منظر آموزشی، مطالعه موردی: حرف اضافه «در» به دنبال راهی برای پیدا کردن ارتباط معنایی میان معانی مختلف حروف اضافه مکانی بوده تا شبکه روابط معنایی آنها را ترسیم کنند. در این پژوهش نشان داده شده است که رویکرد معنی‌شناسی شناختی تبیین بهتری از ساختار معنایی حروف اضافه مکانی به‌طور عام و حرف اضافه «در» به‌طور خاص ارائه می‌دهد که پژوهش حاضر این شبکه شعاعی از معانی مرتبط را درباره /pæra/ در زبان کردی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. اسدی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان چندمعنایی قاعده‌مند: مطالعه موردی حرف اضافه «روی» در زبان فارسی به بررسی معانی مختلف حرف اضافه «روی» در چارچوب انگاره معنی‌شناسی شناختی پرداخته و در همین راستا رویکرد چما را برای تحلیل داده‌ها به‌کار گرفته و به معانی متفاوت و نحوه شکل‌گیری آنها و شبکه معنایی آن پرداخته است. گلفام و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان فضای معنایی فعل «شدن» در زبان فارسی: نگرشی شناختی فضای معنایی متفاوت فعل «شدن» و کاربردهای متفاوت آن را در نظام زبان و همچنین با توجه به نقش‌های متفاوتی که در سطح جمله ایفا می‌کند با نگرشی شناختی مورد بررسی قرار داده‌اند که به بخشی از شبکه گسترده‌تر ساخت‌های نحوی مرتبط است. زاهدی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان معناشناسی حرف اضافه «از» که بر انگاره چندمعنایی اصول‌مند منطبق است، معناهای گوناگون «از» را ضمن تأکید بر تصادفی‌نبودن آن تأیید و بررسی کرده‌اند. مختاری و رضایی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان بررسی شناختی شبکه معنایی حرف اضافه «با» در زبان فارسی به بررسی مفاهیم مختلف حرف اضافه «با» در زبان فارسی در چارچوب معنی‌شناسی شناختی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که این حرف اضافه به‌صورت تصادفی معانی گوناگونی ندارد و با ارائه شبکه معنایی آن به این نتیجه رسیده‌اند که حرف اضافه «با» دارای یک معنای سرنمون با مفاهیم متفاوت است. راسخ مهند و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان بررسی شبکه معنایی حروف اضافه «در» و «سر»، شبکه معنایی دو حرف اضافه «در» و «سر» را از دیدگاه معناشناسی واکاوی کرده و معنای اولیه و معناهای متمایز این دو حرف اضافه را به کمک معیارهای تایلر و ایوانز (۲۰۰۳) شناسایی و شبکه معنایی آنها را ترسیم کرده‌اند. دهقان (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان بررسی معنایی حروف اضافه /wæpi/ و /wægærd/، /wæ/، /læ/ در پژوهشی بر اساس رویکرد چما به بررسی برخی از کاربردی‌ترین حروف اضافه کردی (گویش

کلهری) پرداخته است. نگارنده برای واکاوی معانی متمایز این حروف اضافه، آنها را جداگانه در یک شبکه معنایی ترسیم کرده است.

۲- روش‌شناسی پژوهش

ماهیت پژوهش کیفی حاضر توصیفی-تحلیلی است و در چارچوب نظری انگاره چمای ایوانز و گرین (۲۰۰۶) در معناشناسی شناختی انجام گرفته است. نگارندگان براساس این انگاره، داده‌های گردآوری‌شده از واژه /pæra/ را در دو کاربرد مختلف پرسش‌واژه و حرف اضافه مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. داده‌ها براساس دانش زبانی نگارندگان که گویشور بومی کلهری هستند و نیز از طریق مصاحبه با گویشوران این گویش گردآوری شده و اصالت آنها نیز مورد تأیید گویشوران قرار گرفته است. پژوهش حاضر با ابزارهای مطرح در رویکرد شناختی و براساس رویکرد چما (ایوانز و تایلر، ۲۰۰۴a، ۲۰۰۴b؛ ایوانز و گرین، ۲۰۰۶) به توصیف و تحلیل داده‌ها پرداخته است. پس از بررسی‌های دقیق، نگارندگان دریافتند که گویشوران /pæra/ را در دو جایگاه پرسش‌واژه و حرف اضافه به کار می‌برند که در جایگاه پرسش‌واژه به معنای «چرا» و در جایگاه حرف اضافه دارای هشت معنای متفاوت و دو حوزه معنایی است که مفهوم «برای» به‌عنوان معنای سرنمون آن در نظر گرفته می‌شود. شایان ذکر است که برای هر مفهوم و معنایی که از /pæra/ به‌دست آمد، مثال‌ها و نمونه‌های فراوانی وجود دارد، اما به‌دلیل محدودیت حجم مقاله، تنها به ذکر نمونه‌هایی از هر مفهوم بسنده کرده‌ایم.

۳- معناشناسی شناختی و انگاره چما

پژوهش حاضر در چارچوب نظری معناشناسی شناختی، با تمرکز بر انگاره چمای ایوانز و گرین (۲۰۰۶) به انجام رسیده که بنیادهای معناشناسی شناختی را به چهار مورد تقسیم کرده اند:

۱- ساختار مفهومی بدنمند^۱ است؛ یعنی سرشت ساختار مفهومی، در آزموده‌ها و تجربه‌های بدنمند ما در جهان فیزیکی ریشه دارد.

1. embodied

۲- معنا بخشیدن به واژگان نوعی مفهوم‌سازی در نظر گرفته می‌شود. از این رو، در این رویکرد ساختار معنایی همان ساختار مفهومی است. یعنی واحدهای زبانی و معنای در پیوند با آنها، به مفهوم‌هایی در ذهن آدمی اشاره دارند و نه به آنچه که در جهان بیرون هست.

۳. باز نمود معنا دایره‌المعارفی^۱ است؛ یعنی واژه‌ها تنها نمایان‌گر معنای صرف (آن‌گونه که در دیدگاه لغت‌نامه‌ای^۲ گفته می‌شود) نیستند، بلکه دسترسی ما به انبار بزرگ و گسترده‌ای از دانش‌ها در پیوند با یک مفهوم یا دامنه مفهومی را فراهم می‌آورند. به سخن دیگر، دانش معنایی نهفته در ذهن ما از دیگر دانش‌هایی (زبانی و غیرزبانی) که از آن برخورداریم، جدا نیست.

۴. در رویکرد شناختی، معنا سازی همان مفهومی‌سازی است. یعنی معنا سازی فرآیندی است که در سطح مفهومی در سامانه ذهن و شناخت آدمی روی می‌دهد و نه در سطح واژه‌ها و واحدهای زبانی.

بر اساس رویکرد شناختی، تفاوت‌های موجود در توصیف روابط فضایی^۳ واژه‌ها، از جمله حروف اضافه، در زبان‌های مختلف به صورت نظام‌مند قابل تبیین و تعریف است و معنای متفاوت یک حرف اضافه خاص به شیوه‌ای منظم و قاعده‌مند با هم ارتباط دارند (بروگمن^۴، ۱۹۸۰؛ لیندனர்^۵، ۱۹۸۱؛ لیکاف، ۱۹۸۷؛ دیرون^۶، ۱۹۹۳؛ دوئل^۷، ۱۹۹۴؛ وندلوپس^۸، ۱۹۹۴؛ تایلر و ایوانز، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳).

تایلر و ایوانز (۲۰۰۳: ۱۰۵) دو معیار برای تشخیص این که آیا یک معنای معین را می‌توان معنای مستقل و مجزا دانست، مطرح می‌کنند: اول اینکه این معنا در سایر معنای کلمه مورد نظر مندرج نباشد، و دوم اینکه آیا مصادیق این معنی مستقل از بافت هستند یا خیر. به نظر آنها معنای بسط‌یافته، برای اینکه مستقل محسوب شود باید از دیگر معانی یا از بافت، قابل استنباط نباشد.

1. encyclopedic
2. dictionary view
3. spatial relation
4. C. Brugman
5. S. Lindner
6. R. Dirven
7. R. B. Dewell
8. C. Vandeloise

همچنین ایوانز (۲۰۰۶:۳۴۵) برای شناسایی معنای مجزای حرف اضافه «over» دو معیار اساسی را معرفی می‌کند: نخست این که چنانچه در معنای این حرف اضافه مفهوم اضافی نهفته باشد که در دیگر معنای آن مشخص نباشد، یک معنا به‌عنوان معنای متفاوت در نظر آورده می‌شود. این معنای متفاوت باید معنای غیرمکانی را همراه با دو مفهوم شیء متحرک^۱ و زمینه ثابت^۲ در خود داشته باشد (تایلر و ایوانز، ۲۰۰۳). دوم این که معنای متفاوت باید مستقل از بافت باشد.

بنابراین رویکرد معناساختی پژوهش حاضر، رویکرد چمای موردنظر ایوانز و گرین (۲۰۰۶) است. از این منظر، هر حرف اضافه‌ای در یک شبکه روابط فضایی، همواره یک منظر ذهنی-انتزاعی را برمی‌انگیزد که به‌عنوان مفهوم مرکزی و سرنمون شبکه معنایی آن حرف اضافه در نظر آورده می‌شود.

ایوانز و گرین (۲۰۰۶) معیارهای موردنظر تایلر و ایوانز (۲۰۰۴) را به‌گونه‌ای دیگر مطرح کرده‌اند. به‌باور ایوانز و گرین (همان: ۶) در تعیین معنای سرنمون، چهار معیار اساسی وجود دارد که عبارت‌اند از:

الف- اولین معنای تعیین شده

ب- برتری معنایی در شبکه

ج- ارتباط معنایی با دیگر حروف اضافه

د- سهولت پیش‌بینی در گستردگی معنا

براساس معیارهای بالا، تعیین معنای اولیه به‌راحتی امکان‌پذیر است.

درطبیعت، مفاهیم رمزگذاری شده به‌وسیله حروف اضافه به‌شکل طرح‌واره‌های تصویری است، بنابراین ماهیتی تصویری دارند؛ به‌عبارت دیگر، حروف اضافه فقط به‌صورت دسته‌هایی از مشخصه‌های معنایی^۳ قابل تغییر هستند. هر حرف اضافه در یک شبکه روابط فضایی، همواره یک منظر ذهنی-انتزاعی را برمی‌انگیزد که به‌عنوان عضو اصلی و اولیه شبکه معنایی آن حرف اضافه در نظر گرفته می‌شود. معنای اضافی در شبکه روابط معنایی، در یک قالب نظام‌مند

1. trajector

2. landmark

3. semantic features

گسترده می‌شوند (تایلر و ایوانز، ۲۰۰۳). همان‌گونه که در بخش پیشینه ذکر آن رفت، در این باره می‌توان به پژوهش راسخ‌مهند و همکاران (۱۳۹۲) اشاره کرد که به بررسی دو حرف اضافه «در» و «سر» از دیدگاه تایلر و ایوانز (۲۰۰۳) پرداخته‌اند.

۴- بررسی کاربردی-معنایی /ʔæra/ در کردی کلهری

در این پژوهش، اهمیت زبان‌شناسی شناختی را با بررسی کاربردی-معنایی /ʔæra/ در کردی (گویش کلهری) به‌وضوح می‌توان مشاهده کرد. بنابراین همان‌گونه که دهقان (۱۳۹۷) نیز از ایوانز و گرین (۲۰۰۶) نقل کرده است، با استفاده از انگاره چما می‌توان نگاشت معنایی یک حوزه فیزیکی را به یک حوزه انتزاعی نشان داد. به‌عبارتی، هدف از ارائه این انگاره اصول‌مند این است که بتوان ماهیت انتزاعی این حوزه، یعنی چندمعنایی واژه‌ها را تبیین کرد. در این بخش به‌منظور نشان‌دادن جایگاه‌ها و معانی متمایز /ʔæra/ در کردی کلهری، در ذیل ابتدا جایگاه پرسش‌واژگی /ʔæra/ را بررسی می‌کنیم و سپس به بررسی معانی مجزا و متمایز آن در جایگاه حرف اضافه خواهیم پرداخت.

۴-۱- بررسی کاربردی-معنایی /ʔæra/ در جایگاه پرسش‌واژه

چنانچه بعد از واژه /ʔæra/ فعل یا جمله به‌کار رود، به مفهوم علت و سبب پرسشی (چرا) است که در جملات پرسشی مورد استفاده قرار می‌گیرد. نمونه‌های زیر همگی مؤید این مطلب هستند که گویشوران کردزبان از /ʔæra/ در جایگاه ابتدای جمله یا در جایگاه اصلی آن و قبل از فعل، با کاربرد و معنای پرسش‌واژه «چرا» استفاده می‌کنند که چرایی، علت و سبب را جویا می‌شود.

۱ ʔæra nati?

čera næjamædi?

«چرا نیامدی؟»

۲ ʔæra ʃekanid-æj?

čera šecaesti-ʔæš?

«چرا شکستی‌اش؟»

۳ ʔæra weti ʔi: kar-æ kerde-mæ?

čera gofti ʔi:n kar-ra kardeh-ʔæm?

«چرا گفתי این کار را کرده‌ام؟»

۴ ʔæra ʔi: kar-æ kerdi?
čera ʔi:n kar-ra kardi?

«چرا این کار را انجام دادی؟»

می‌توان /ʔæra/ را در جای اصلی آن و قبل از فعل kerdi (به معنای کردن یا انجام دادن عملی) قرار داد، زیرا در زبان کردی همچون زبان فارسی، برخلاف زبان انگلیسی، پرسش‌واژه می‌تواند در جای اصلی خود به کار رود. مانند نمونه بالا که به صورت زیر نیز می‌تواند به کار رود:

۵ ʔi: kar-æ ʔæra kerdi?
ʔi:n kar-ra čera kardi?

«چرا این کار را انجام دادی؟»

گاهی در برخی جملات، برای تأکید بر اصل موضوع یا مهم بودن آن جمله، خود گوینده جمله از واژه /ʔæra/ دو بار استفاده می‌کند؛ مانند نمونه‌های زیر:

۶ ʔæra? ʔærajæ ke nijæʃed.
čera? bexatere ʔi:n ke nemirævæd.

«چرا؟ به خاطر اینکه نمی‌رود.»

۷ ʔæra, ʔæra jæ ke nijæzan-æm.
čera? bexatere ʔi:n ke nemidan-æm.

«چرا؟ به خاطر اینکه نمی‌دانم.»

در جمله‌های ۵ و ۶ هر یک از دو واژه /ʔæra/ به معناهای متفاوتی به کار رفته- به صورت پرسش و پاسخ، چرا و زیرا- که اولی چرایی را مورد پرسش قرار می‌دهد و دومی علت آن را بیان می‌کند.

۴-۲- بررسی کاربردی-معنایی /ʔæra/ در جایگاه حرف اضافه

هر حرف اضافه رابطه‌ای فضایی بین مسیریما (شیء متحرک) و مرزنا (زمینه ثابت) است که تصور می‌شود منظری فضایی را تشکیل می‌دهد. این محتوای مفهومی می‌تواند از مناظر فضایی

و مکانی خاص به یک نمایش بسیار انتزاعی و طرح‌واره‌ای تبدیل شود، که آن را سرنمون می‌نامیم. سرنمون را می‌توان با معنای اولیه حرف اضافه یکی دانست (ایوانز و تایلر، ۲۰۰۴). چنانچه بعد از /ʔæra/ اسم یا گروه اسمی به کار رود، به‌عنوان حرف اضافه در نظر گرفته می‌شود که دارای هشت معنای مجزا و دو خوشه معنایی است. که معانی دیگر آن به دلیل ارتباط معنایی نزدیک به هم در خوشه‌های معنایی «جهت‌گیری و مقصد»، «علت، سبب»، «منظور، هدف» و «مالکیت، تعلق» قرار گرفته‌اند که در آنها اثری از معنای «برای» نمایان است. مفاهیم «به»، «به‌خاطر»، «به‌دنبال، در پی»، «درباره، راجع به»، «به‌سوی، به سمت» و «مالکیت، تعلق» به‌گونه‌ای مفهوم «برای» را در خود نهان دارند و نشان‌گر این هستند که این مفهوم، گزینه مناسبی برای مفهوم اولیه است.

۴-۲-۱- معنای سرنمون

معنای «برای» اولین معنا و مفهومی به‌شمار می‌رود که از حرف اضافه /ʔæra/ به ذهن می‌آید که در واقع معنای سرنمون یا هسته‌ای این حرف اضافه است.

الف. مفهوم «برای»

مفهوم و معنای اولیه‌ای که از حرف اضافه /ʔæra/ ابتدا به ذهن گویشور کرد زبان متبادر می‌شود، در واقع معنای «برای» است و در بافت‌های دیگر، معانی مختلفی دارد که در ذیل به آنها خواهیم پرداخت؛ بنابراین مفهوم «برای» معنای هسته‌ای و در واقع سرنمون و نخستین معنای حرف اضافه /ʔæra/ است. نمونه‌های زیر مؤید این مطلب هستند.

در جمله ۸، مقاله برای «استاد» نوشته شده و در جمله ۹ عمل بردن آب برای «برادر» انجام گرفته است. /ʔæra/ در جمله ۱۰ این پرسش را مطرح می‌کند که مخاطب برای تعطیلات «تابستان» چه برنامه‌ای دارد.

۸ ʔi: mæghalæ ʔæra ʔostad-æ gædnüsajdæ?
ʔi:n mæghale ra bæraje ʔostad-æt neveštehʔi:ʔ

«این مقاله را برای استاد نوشته‌ای؟»

۹ ʔi: ʔawæ ʔæra bera-gæd bowæ.
ʔi:n ʔab ra bæraje bæradar-æt Bebær.

«این آب را برای برادرت ببر.»

10 ʔæra tæʔtilat tawsan twajčæ bəkæid?
bæraje tæʔtilat tabestan mixaj čə bəkoni?

«برای تعطیلات تابستان چه برنامه ای داری؟»

۴-۲-۲- خوشهٔ جهت‌گیری و مقصد

خوشهٔ «جهت‌گیری و مقصد» خوشه‌ای معنایی است که چند مفهوم متفاوت را در خود جای داده است. در این خوشهٔ معنایی، حرف اضافهٔ /ʔæra/ نشان‌گر یک رابطهٔ فضایی بین مسیرپیما (شیء متحرک) و مرزنا (زمینهٔ ثابت) است؛ به‌صورتی که شیء متحرک به‌سوی زمینهٔ ثابت گرایش دارد و به‌سوی آن جهت‌گیری می‌کند. معناهایی که در این خوشهٔ معنایی قرار دارند، عبارتند از: مفاهیم «به»، «به سمت، به‌سوی»، «درپی، به‌دنبال»، «دربارهٔ، راجع به» و «مالکیت، تعلق» که در ذیل به‌تفصیل به آنها خواهیم پرداخت.

الف. مفهوم «به»

یکی از مفاهیمی که گویشوران با استفاده از /ʔæra/ در بافت‌های مختلف تولید و استنباط می‌کنند، معنای «به» است. در جملات ۱۰، ۱۱ و ۱۲ گوینده که همان مسیرپیماست، قصد رفتن به منزل دوستش، دانشگاه و به مکانی دیگر را دارد که همان مرزناماست.

۱۱ čem ʔæra mał ræfiqægæm.
mirævæm be xanæje dustæm.

«به خانه دوستم می‌روم.»

۱۲ čem ʔæra daneŋga.
mirævæm be danešgah.

«به دانشگاه می‌روم.»

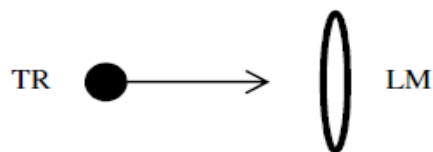
۱۳ čid ʔæra kooræ?
mirævi be koja?

«به کجا می‌روی؟»

ب. مفهوم «به‌سوی، به سمت»

یکی دیگر از مفاهیم /ʔæra/ که در خوشهٔ «جهت‌گیری» نمایان می‌شود، مفهوم و معنای «به‌سوی» است. چنانچه /ʔæra/ همراه و قبل از کلمهٔ 'laj' بیاید، به‌معنای «به‌سمت و به‌سوی»

است. نمای فضایی این مفهوم نشان می‌دهد که شیء متحرک به‌سوی شیء ثابت در حرکت است که در شکل زیر نشان داده می‌شود:



تصویر ۱- نمای فضایی مفهوم «به، به‌سوی» مفهوم حرف اضافه

۱۴ či:m ?æra laj ?æwæ.
ræftæm be sæmte ?u:.

«به سمت (سوی) او رفتیم.»

۱۵ wædæsi kifar-æm ?æra laj xwæj.
ba dæstæš keši:d-æm be sæmte xod-æš

«با دستش من را به (سمت) سوی خود کشید.»

۱۶ geft dæwin ?æra xiawan.
hæme dævidænd be sæmte xejaban.

«همه به سمت خیابان دویدند.»

در جمله ۱۴، شخص گوینده (TR) به سمت فردی دیگر (LM) می‌رود. جمله ۱۵ نشان‌گر حرکت «دست» (TR) به سوی «من» (LM) است و جمله ۱۶ حرکت همه (TR) را به سوی خیابان (LM) نشان می‌دهد.

ج. مفهوم «به‌دنبال، در پی»

مفهوم و معنای دیگری که در خوشه معنایی «جهت‌گیری و مقصد» قرار می‌گیرد، معنای «به دنبال، در پی» است. نمونه‌های زیر تأییدی بر این ادعا هستند.

۱۷ fæw dam ?æra maʃin-ægæm.
češm mičærxanæm (miʃærdæm) be donbale maʃinæm.

«به دنبال ماشینم می‌گردم.»

- ۱۸ ʔæra kelil-ægan-em geft mal-ægaæ Jærdimæ.
be donbale kelid-ha-jam hæmæje xane- ra Jæštæm.

«به دنبال (در پی) کلیدهایم تمام خانه را جستجو کردم.»

- ۱۹ ʔæra menalægaæ geft küçæ-gan Jærdin.
be donbale bæçe hæmæje ku:çe-ha Jæštænd.

«به دنبال بچه همه کوجهها را گشتند.»

در نمای فضایی سه جمله بالا، شیء متحرک به دنبال شیء ثابت می‌گردد و در پی یافتن و دستیابی به آن است. معنای مورد نظر در اینجا، به عنوان معنای اضافی در مقابل سایر معنای /ʔæra/، به معنای «جستجو و کاوش» است که مفهومی مجزا اما مرتبط با سایر مفاهیم این حرف اضافه را نشان می‌دهد.

د. مفهوم «درباره، راجع به»

گویشوران کلهر /ʔæra/ را در معنا و مفهوم «درباره، راجع به» نیز به کار می‌برند. مثال‌های زیر گویای آن است:

20. doktor ʔæra dærman ʔi: marizij-æ çæbekæjm?
doktor dær mowrede dærmane ʔi:n mærizi çe bokonim?
«دکتر در مورد درمان این بیماری چکار کنیم؟»

21. banta ʔæra ʔi: Dærsæ fekribekæjm.
bejaeed ta dær mowrede ʔi:n Dærs fekri bokonim.
«بیا بید تا درباره این درس کاری کنیم.»

در جمله‌های بالا به فکر کردن درباره مشکلی یا کاری اشاره شده است. قرار گرفتن این معنا در خوشه «جهت‌گیری» به این نکته اشاره دارد که وقتی درباره چیزی یا کسی می‌خواهیم کاری انجام دهیم، ناخودآگاه به سوی آن چیز یا فرد توجه و جهت‌گیری کرده‌ایم.

۴-۲-۳- خوشه استعاری

حرف اضافه /ʔæra/ مفهومی را می‌رساند که از حوزه عینیت خارج است و با حوزه‌های انتزاعی ارتباط دارد، بنابراین گویشوران این حرف اضافه را در کردی کلهری در خوشه استعاری شبکه‌های معنایی نیز به کار می‌برند.

الف. مفهوم «مالکیت و تعلق»

مفهوم دیگری که در بافت‌های مختلف از /ʔæra/ مورد نظر گویشوران کردزبان است، مفهوم «مالکیت و تعلق داشتن چیزی به کسی» است. نمونه‌های زیر این ادعا را به روشنی تأیید می‌کنند:

۲۲ ʔi: maɫ-æ ʔæra mən-æ.
ʔi:n xane male mæn-ʔæst.

«این خانه مال من است.»

۲۳ æwæ di ʔæra to-næ.
ʔan diʔær male to-ʔæst.

«از این به بعد آن مال شماست.»

۲۴ wæʔi: lawæ, ʔi: züwæ ʔæra to-næ.
ʔæz ʔi:n sæmt, ʔi:n zæmin male to-ʔæst.

«از این سمت، این زمین مال شماست (تو مالک آن هستی).»

ب. مفهوم «مقابله‌ای»

در این مفهوم، برای حرف اضافه /ʔæra/ در کردی، معنا و مفهوم «در برابر» و «در مقابل» رمزگذاری شده است.

۲۵ hæ ʔæra sær mē zerenʃi!
fæqæt dæʔvat ba mæn-e!

«فقط دعوات با منه»

۲۶ ʔæra mən čæ wæ to kerdemæ?
mæʃe mæn če be to kærdeʔæm.

«مگه من چه هیزم تری به تو فروختم؟»

ج. مفهوم «منظور و هدف»

در برخی بافت‌ها همچون مثال‌هایی که در زیر آمده است، از این حروف اضافه، معنا و مفهوم «سببیت» را می‌توان برداشت کرد که علت انجام کار یا عملی را نشان می‌دهد. در جملات ۲۷ و ۲۸ عمل و زحمتی به خاطر «من» و «تو» رخ داده و در جمله ۲۹ به خاطر عمل «دزدی» به زندان افتاده است.

۲۷ mægæ ʔi: kar-æ ʔæra men kerdidæ?
mæʔær ʔi:n kar-ra be xatere mæn kærdehee?

«مگر به خاطر من این کار را انجام داده‌ای؟»

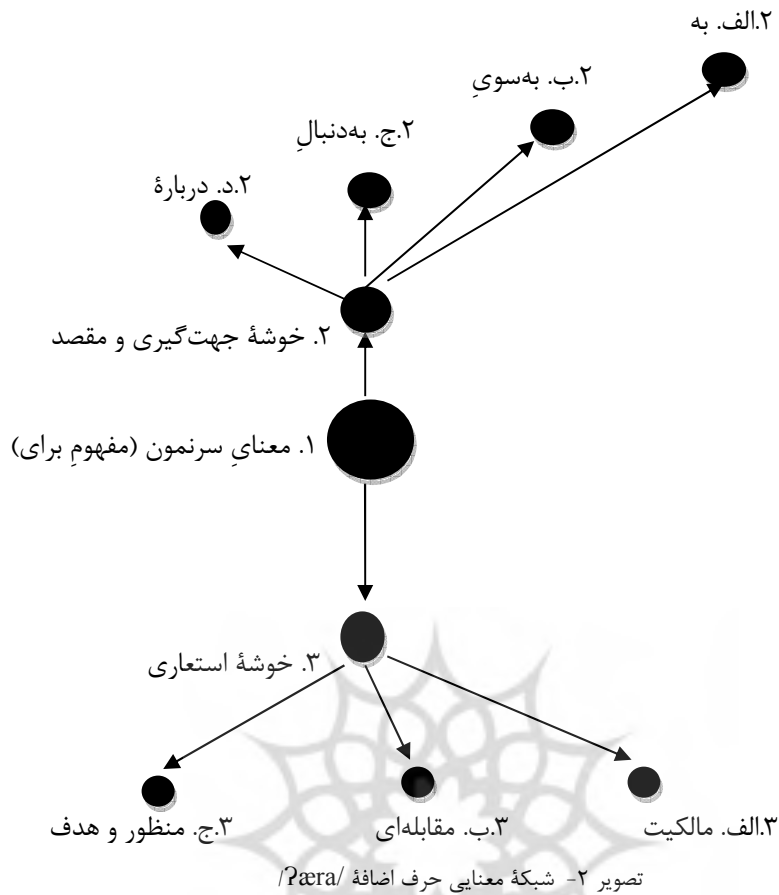
۲۸ ʔi:hæmkæ zæhmæt-o særʒanæ ʔæra to kifem.
ʔi:n hæme zæhmæt-o dærdesær be xatere to mikešæm.

«این همه زحمت و دردسر را به خاطر تو می‌کشم.»

۲۹ ʔæra dezi kæftæ zendan.
be xatere dozdi ʔoftad zendan.

«به خاطر دزدی به زندان افتاد.»

به طور کلی، پس از واکاوای حرف اضافه /ʔæra/ در کردی کله‌ری مشخص شد که این حرف اضافه دارای هشت معنای متمایز «برای»، «به»، «به‌سوی»، «به‌دنبال»، «درباره»، «مالکیت و تعلق»، «مقابله‌ای» و «منظور و هدف» است و از دو خوشه معنایی «جهت‌گیری/مقصد» و «استعاری» تشکیل شده است. از این رو، شبکه معنایی /ʔæra/ به صورت زیر است که در آن مفهوم «برای» در کانون شبکه معنایی قرار می‌گیرد و هفت معنای مجزای دیگر در قالب دو خوشه معنایی به مفهوم اولیه پیوند می‌خورند.



۵. نتیجه‌گیری

در رویکرد شناختی، واژه‌ها و در اینجا مشخصاً حروف اضافه، واحدهای واژگانی مستقل و مقوله‌هایی مفهومی با ساختارهای مشخص معنایی هستند که باید به اندازه دیگر مقولات مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند. پژوهش حاضر بر اساس چارچوب شناختی و انگاره چمای ایوانز و گرین (۲۰۰۶) به بررسی شبکه معنایی و جایگاه /Pæra/ در زبان کردی پرداخته است. شایان ذکر است که معنای متعدد واژه‌ها، مخصوصاً حروف اضافه، را نمی‌توان فقط با استفاده از مجموعه ویژگی‌های معنایی آنها تعبیر کرد، بلکه توجه به روابط فضایی و طرح‌واره‌های موجود بین شیء متحرک و زمینه ثابت اهمیت دارد. تعمیم مناظر فضایی، باعث ایجاد تعمیم‌های طرح

واره‌ای و انتزاعی در ذهن می‌شود که پاسخی به مشاهده و تجربه پدیده‌های فیزیکی است که روابط فضایی مشابهی دارند و این انتزاع را معنای فضایی اولیه یا همان معنای سرنمون می‌نامیم. بنابراین، تمام معناهای مرتبط با یک لفظ فضایی ویژه، به کمک معنای فضایی اولیه و به‌صورتی نظام‌مند و باقاعده برانگیخته می‌شوند؛ یعنی وجود معنای اضافه بر معنای موجود، از همان مفهوم اولیه و نیز مستقل از بافت و مفهوم اولیه مشتق می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گویشوران کلهری، /Pæra/ را در دو جایگاه و کارکرد متفاوت با معنای مجزا به‌عنوان پرسش‌واژه و حرف اضافه به‌کار می‌برند. همچنین نتایج این پژوهش مشخص می‌کند که در جایگاه حرف اضافه، معنای سرنمون /Pæra/ «برای» است و در شبکه معنایی آن هشت معنای مجزا و دو خوشه معنایی وجود دارد. بنابراین پژوهش حاضر نشان می‌دهد که انگاره چما و معیارهای آن که برای شناسایی مفاهیم مجزا، مفهوم سرنمون و درک نحوه پیوند میان این مفاهیم پیشنهاد شده‌اند، از کارایی بسیاری در واکاوی معانی متفاوت حروف اضافه برخوردارند. آن‌گونه که نمایان است، رویکرد شناختی در مورد حروف اضافه و بهره‌گیری از ابزارهایی همانند شبکه معنایی در نمایش چندمعنایی آنها می‌تواند در امر آموزش این واژه‌ها به زبان‌آموزان بسیار سودمند و کارآمد باشد و از جمله کاربردهای این پژوهش و یافته‌های آن، کمک به آموزش و یادگیری واژه‌ها کردی کلهری در جایگاه‌های متفاوت- از جمله حرف اضافه- است.

منابع

- اسدی، نصیر (۱۳۸۹). چندمعنایی قاعده‌مند: مطالعه موردی حرف اضافه «روی» در زبان فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۳). زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی. تهران: سمت.
- دهقان، مسعود (۱۳۹۷). «بررسی چندمعنایی /læ/، /wæ/، /wægaerd/ و /wæpi/ در کردی بر اساس رویکرد شناختی». *دوماهنامه جستارهای زبانی*. دوره ۹، ش ۲، ۳۳-۱.
- راسخ‌مهند، محمد و نفیسه رنجبر ضرابی (۱۳۹۲). «بررسی شبکه معنایی حروف اضافه «در» و «سر»». *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. س ۳، ش ۵، ۱۱۱-۹۵.

- زاهدی، کیوان و عاطفه محمدی زیارتی (۱۳۹۰). «شبکه معنایی حرف اضافه فارسی «از» در چارچوب معنی‌شناسی شناختی». *تازه‌های علوم شناختی*. دوره ۱۳، ش ۱، ۸۰-۶۷.
- گلفام، ارسلان و سحر بهرامی خورشید و آری ورهاگن (۱۳۹۰). «فضای معنایی فعل «شدن» در زبان فارسی: نگرشی شناختی». *فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*. دوره ۲، ش ۴ (پیاپی ۸)، ۱۶۷-۱۴۵.
- گلفام، ارسلان و مصطفی عاصی و فردوس آقاگل‌زاده و فاطمه یوسفی‌راد (۱۳۸۸). «بررسی حرف اضافه «از» در چارچوب معناشناسی شناختی و مقایسه آن با رویکرد سنتی». *مجله زبان و زبان‌شناسی*. ش. ۱۰، ۶۹-۱۰.
- گلفام، ارسلان؛ یوسفی راد، فاطمه (۱۳۸۸). *رویکرد معناشناسی شناختی به حروف اضافه مکانی زبان فارسی از منظر آموزشی، مطالعه موردی: حرف اضافه در پژوهش زبان-های خارجی*، ش. ۵۶ (ویژه‌نامه انگلیسی)، ۱۷۹-۱۶۷.
- مختاری، شهره و حدائق رضایی (۱۳۹۲). «بررسی شناختی شبکه معنایی حرف اضافه «با» در زبان فارسی». *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*. ش ۹، ۹۴-۷۳.
- یوسفی‌راد، فاطمه (۱۳۸۷). *بررسی حروف اضافه زبان فارسی در چارچوب معناشناسی شناختی با نگاه ویژه به حروف اضافه مکانی*. رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

- Brugman, C. (1980). *The story of over: Polysemy, semantics, and the structure of the lexicon*. New York: Garland.
- Dewell, R. B. (1994). "Over again: Image-schema transformation in semantic analysis". *Cognitive Linguistics*. 5(4), 351-380.
- Dirven, R. (1993). "Dividing up physical and mental space into conceptual categories by means of English prepositions". *The semantics of prepositions*. W. Zelinsky (Ed.), Berlin: Mouton de Gruyter, 73 -97.
- Evans, V. & M. Green (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Evans, V. (2004). *The Structure of Time: Language, Meaning and Temporal Cognition*. Amsterdam: John Benjamins.
- Evans, V. & A. Tyler (2004a). "Rethinking English prepositions of movement: The case of To and Through". *Belgian Journal of Linguistics*. 18, 247-270.

- Evans, V. & A. Tyler (2004b). "Spatial experience, lexical structure and motivation: the case of in". *Studies in Linguistic Motivation*. G. Radden and K. Panther (eds.), Berlin: Mouton de Gruyter, 157–192.
- Lakoff, G. (1987). *Women, fire and dangerous things: What categories reveal about the mind*. Chicago: Chicago University Press.
- Lindner, S. (1981). *A lexico-semantic analysis of English verb particle constructions with out and up*. Unpublished doctoral dissertation, University of California, San Diego.
- Taylor, J. R. (1995). *Linguistic categorization: Prototypes in linguistic theory*. 2nd edition. Oxford: Clarendon Press.
- Tyler, A. & V. Evans (2001). "Reconsidering prepositional polysemy networks: The case of over". *The Cognitive Linguistics Reader*. V. Evans, B. Bergen, and J. Zinken (Eds.), London: Equinox, 186-238.
- Tyler, A. & V. Evans (2003). *The Semantics of English Prepositions: Spatial Scenes, Embodied Meaning and Cognition*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Tyler, A., & V. Evans (2004). "Applying cognitive linguistics to pedagogical grammar: The case of 'over'". *Cognitive linguistics, second language acquisition and foreign language teaching*. M. Archad & S. Niemer (Eds.), Berlin: Mouton de Gruyter, 257 -280.
- Vandeloise, C. (1994). "Methodology and analyses of the preposition". *Cognitive Linguistics*. 5(2), 157–184.